

The “Imminent Threat” Is Not a Phrase—It Is Policy Written in Iran’s Constitution

March 22, 2026

Mr. President,

For decades, Iran’s educated class, youth, and civil movements have been united around two fundamental demands:

- 1- Revision of the Constitution through a constitutional assembly
- 2- An end to the systematic looting of Iran’s wealth by oligarchic networks tied to the Ayatollahs

These demands are not abstract—they are direct responses to a lived reality that defines the “imminent threat” you recently recognized.

You are the first American leader to state this clearly. But for the Iranian people, this threat has not been “imminent” for days or weeks—it has been continuous for 47 years. Those who have said so inside Iran have faced prison or death.

The record is clear: from the 1979 Kurdistan massacres and the death of Ayatollah Taleghani, to the Green Movement (2009), the 14-signatories manifesto, the 2019 protests, the “Woman, Life, Freedom” movement (2022), and recent statements by hundreds of academics and civil activists in 2025–2026.

The “imminent threat” is not a matter of interpretation—it is embedded in the Constitution of the Islamic Republic. This document defines its mission in ideological opposition to the United States and extends its reach beyond its borders.

Yet while some debate your use of the word “imminent,” they ignore this reality.

For decades, Washington has focused on symptoms—nuclear timelines, regional conflicts, proxy forces—while overlooking the root cause: a governing system that institutionalizes hostility.

This is not an intelligence failure. It is a failure to read.

How many in the Senate or media have examined the Constitution of the regime they seek to contain?

When hostility is codified, sustained over decades, and executed through state institutions, the threat is not temporary—it is continuous.

That is the reality you recognized.

Some allies say, “this is not our war.” Their position should be noted with clarity. When the United States confronts the global financial networks of regime-linked oligarchs, their cooperation will become necessary.

Mr. President, a more powerful front remains underutilized:

Expose the Constitution of Iran.

For 47 years, Iranians have resisted this imposed structure. From early movements to “Woman, Life, Freedom,” the message is consistent. Thousands of intellectuals and professionals now call for a constitutional assembly.

This is not fringe—it is a national demand.

If this discussion begins in the U.S. Senate, it will echo inside Iran and empower structural change.

Military options address capabilities. Challenging the Constitution addresses legitimacy.

This is not only about confronting a threat—it is about redefining the battlefield.

A free Iran is not America’s adversary—it is its natural ally.

Respectfully,

Sohrab ChamanAra www.CyrusForce.org

ترجمه فارسی

«تهدید قریب‌الوقوع» یک عبارت نیست — یک سیاست است که در قانون اساسی ایران نوشته شده است

بیست و دوم مارس 2026

آقای رئیس‌جمهور،

برای دهه‌ها، قشر تحصیل کرده، جوانان و جنبش‌های مدنی ایران حول دو مطالبه اساسی متحد بوده‌اند:

1- بازنگری قانون اساسی از طریق مجلس مؤسسان

2- پایان دادن به غارت سیستماتیک ثروت ایران توسط شبکه‌های الیگارشیک وابسته به آیت‌الله‌ها

این مطالبات انتزاعی نیستند — بلکه پاسخی مستقیم به یک واقعیت زیسته‌اند که همان «تهدید قریب‌الوقوعی» است که شما اخیراً به آن اشاره کرده‌اید.

شما نخستین رهبر آمریکایی هستید که این موضوع را به روشنی بیان کرده‌اید. اما برای مردم ایران، این تهدید نه در روزها یا هفته‌ها، بلکه به مدت ۴۷ سال به طور مستمر وجود داشته است. کسانی که در داخل ایران این واقعیت را بیان کرده‌اند، با زندان یا مرگ مواجه شده‌اند.

این سابقه روشن است: از کشتارهای کردستان در سال ۱۳۵۸ و مرگ آیت‌الله طالقانی، تا جنبش سبز (۱۳۸۸)، بیانیه ۱۴ نفر، اعتراضات ۱۳۹۸، جنبش «زن، زندگی، آزادی» (۱۴۰۱)، و بیانیه‌های اخیر صدها استاد دانشگاه و فعال مدنی در سال‌های ۱۴۰۴ تا ۱۴۰۵.

"تهدید قریب‌الوقوع" موضوع تفسیر نیست — این تهدید در قانون اساسی جمهوری اسلامی نهادینه شده است. این سند مأموریت خود را در تقابل ایدئولوژیک با ایالات متحده تعریف می‌کند و دامنه نفوذ خود را فراتر از مرزها گسترش می‌دهد.

با این حال، در حالی که برخی درباره واژه «قریب‌الوقوع» بحث می‌کنند، این واقعیت را نادیده می‌گیرند.

برای دهه‌ها، واشنگتن بر علائم تمرکز کرده است — زمان‌بندی هسته‌ای، درگیری‌های منطقه‌ای، نیروهای نیابتی — در حالی که علت اصلی نادیده گرفته شده است: یک ساختار حکمرانی که خصومت را نهادینه می‌کند.

این یک شکست اطلاعاتی نیست — یک شکست در خواندن است.

چند نفر در سنا یا رسانه‌ها واقعاً قانون اساسی رژیمی را که قصد مهار آن را دارند، مطالعه کرده‌اند؟

وقتی خصومت در قانون ثبت شده، طی دهه‌ها تداوم یافته و از طریق نهادهای دولتی اجرا می‌شود، این تهدید موقتی نیست — بلکه مستمر است.

این همان واقعیتی است که شما آن را تشخیص داده‌اید.

برخی متحدان می‌گویند «این جنگ ما نیست.» موضع آن‌ها باید با شفافیت ثبت شود. زمانی که ایالات متحده با شبکه‌های مالی جهانی الیگارش‌های وابسته به رژیم مقابله کند، همکاری همین کشورها ضروری خواهد شد.

آقای رئیس‌جمهور، جبهه‌ای قدرتمند تر وجود دارد که هنوز به طور کامل استفاده نشده است:

افشای قانون اساسی ایران.

برای ۴۷ سال، ایرانیان در برابر این ساختار تحمیل شده مقاومت کرده‌اند. از جنبش‌های اولیه تا «زن، زندگی، آزادی»، پیام یکسان بوده است. اکنون هزاران روشنفکر و متخصص خواستار تشکیل مجلس مؤسسان هستند.

این یک دیدگاه حاشیه‌ای نیست — یک مطالبه ملی است.

اگر این بحث در سنا آمریکا آغاز شود، در واشنگتن محدود نخواهد ماند و در داخل ایران طنین‌انداز خواهد شد و تغییر ساختاری را تقویت خواهد کرد.

گزینه‌های نظامی توانمندی‌ها را هدف می‌گیرند، اما به چالش کشیدن قانون اساسی، مشروعیت را هدف قرار می‌دهد.

این فقط درباره مقابله با تهدید نیست — بلکه درباره بازتعریف میدان نبرد است.

ایران آزاد دشمن آمریکا نیست — بلکه متحد طبیعی آن است.

با احترام،

سهراب چمن‌آرا